چهار داستان از شاهنامه

سهیلی خوانساری، احمد

ج یک ذیل کلمهء«بخسی»آمده است:اسم طعام و هو ان یطبخ الحنطة ثم یجعل فی حب‏ مع لباب اللوز و یصب علیه التلبینة فترک حتی یحمض فیؤکل بره و یحسی ماؤه.یعنی‏ «بخسی»اسم طعامی است و[طرز تهیهء آن چنین است که‏]گندم را می‏پزند و آن را در حبی با مغز بادام می‏گذارند و آش تلبینه\*(آشی که از سبوس و شیر و عسل کنند) روی آن می‏ریزند و می‏گذارند تا ترش شود و گندم(پختهء)آن را می‏خورند و آب‏ آن را می‏آشامند.

صورت صحیح کلمهء«سب‏سس»«سقسش»است و در 383 ج یک دیوان‏ مذکور با این معنی آمده است:«هو آخر ماء الحنطة بعدما ذهب قوة شرابه.و کذلک‏ الماحض یصب علیه الماء به.یعنی«سقسش»آخرین آب گندم(پخته)است بعد از آنکه قوت شراب آن رفته باشد و نیز شیر خالص را که بر روی آن آب بریزند «سقسش»گویند.

بنابراین نظر استاد صحیح است که در این مقاله نوشته‏اند:«در نتیجه چنانکه‏ گذشت می‏توان پذیرفت هر شش نوع شراب مورد بحث مخصوص ترکان بوده است».

غلامرضا طاهر(قمشه)

بازار بین الحرمین را در اوائل قرن گذشته بیشتر«بازار حلبی‏سازها»می‏گفتند هرچند در حقیقت بازار کتابفروشها و صحافها و کاغذفروشها بود،کتابفروشهای‏ معروف آن زمان حاج شیخ رضا،آقا میرزا محمود خوانساری،حاج ملا رضا و حاج‏ ملا صادق،مروج،میرزا علی،میرزا حسن،حاج میرزا احمد،حسین آقا کتابچی در این‏ بازار کتابفروشی داشتند و چند تن دیگر مانند حاج محمد مهدی و آقا سید مرتضی در تیمچهء حاجب الدوله و دائی اسد الله،اقبال،ادب،گنج دانش،حاج سید احمد اسلامیه، خلخالی،حاج محمد حسن علمی،آقا محمد علی ترقی،حاج میرزا جمال در خیابان ناصریه‏ (ناصر خسرو)و پرویز و محمد رمضانی در خیابان لاله‏زار.\*

در بازار حلبی‏سازها میرزا عبد الکریم اصفهانی کاغذ آهار مهر می‏زد و میرزا اسد الله شهشهانی جدول می‏کشید و چند تن دیگر قبالهء عقد تذهیب کرده می‏فروختند، چاپخانه‏های سنگی که کتابهای این صنف را چاپ می‏کردند اکثر در بازار پشت مسجد جمعه و محلهء عودلاجان و محلهء عربها قرار داشتند.

میان این صنف آقا میرزا محمود خوانساری مشهور و نامدار بود چه از معارف‏ (\*)از این لغت و مفهومش در صیدنهء بیرونی یادی هست.(آینده)

(\*)کاش آقای سهیلی با اطلاع وسیعی که دارند دربارهء تاریخ کتابفروشی و شخصیت‏ کتابفروشان شصت هفتاد سال اخیر مقاله‏ای می‏نوشتند(آینده)

بزرگان و مشروطه طلبان بنام و در دورهء اول مجلس شوری از طرف این صنف‏ بسمت نمایندگی تعیین شده بود،او در محلی وسیع کتابفروشی داشت و بیشتر دوستان‏ وی چون ادیب پیشاوری،میرزا محمد حسین ادیب،ادیب الممالک،سید محمد بقاء، میر سید عبد الله اتابکی،شمس العلماء،حاج میرزا ابو الفضل ساوجی،عماد الکتاب، صد الافاضل،دوستعلیخان معیر،میرزا رضا خان نائینی،وحید الملک،حاج مخبر السلطنه، حاج سید نصر الله تقوی،سید عبد الرحیم خلخالی،ضیاء لشکر در دوران مختلف گاه‏گاه‏ در آنجا انجمن می‏کردند و در اواخر عهد قاجاریه که بعضی از آنها به رحمت حق‏ واصل شده و یا به سرزمین دیگر سفر کرده بودند جای خود را به جوانها امثال سعید نفیسی،اقبال آشتیانی،اسمعیل افشار،مدرس رضوی،ذبیح بهروز دادند.

آقا میرزا محمود در آنموقع که کتاب‏شناسی مانند امروز وسعت نداشت درین فن‏ کم‏نظیر و اهل کتاب خاصه در بار کتب خطی قول او را حجة می‏دانستند چنانکه مروج‏ در شناسائی کتابهای چاپی بسیار ماهر بود.

اما آقا میرزا محمود بیش از سایر اقران در چاپ و نشر کتابهای مفید می‏کوشید و برای این کار در آن وقت سرمایه‏ای زیاد داشت.نخستین چاپ تاریخ بیهقی به تصحیح‏ میرزا محمد حسین ادیب،تذکرهء ریاض العارفین،تاریخ عالم‏آرای عباسی،بستان السیاحهء حاجی شیروانی،دیوان قاآنی به انضمام فروغی بسطامی و جلال الدین میرزا قاجار، مثنوی مولوی به تصحیح میرزای جلوه،جلد دوم نامهء دانشوران که تألیف حاج میرزا ابو الفضل ساوجی است و شاهنامهء امیر بهادر و بسیار کتاب فارسی و عربی دیگر که‏ بهترین چاپ سنگی در آن زمان بشمار می‏آمد برای نخستین بار به همت و کوشش وی‏ چاپ شده است،کتاب اخیر شاهنامه به خط عماد الکتاب و مقدمهء ادیب الممالک و نقاشی مصور الممالک می‏باشد و میان شاهنامه‏هائیکه در آن عهد چاپ شده امتیازی‏ خاص دارد.

به یاد دارم روزی آقا میرزا محمود در باب چاپ این کتاب داستانی برای یکی از دوستان دانشمند می‏گفت که بجاست در اینجا نقش شود می‏گفت بعد از اتمام چاپ‏ کتاب دریافتم که کارکنان چاپخانه اشتباه کرده صحفهء 34 را در صفحهء 35 چاپ کرده‏ و صفحهء 34 سفید و خالی مانده است برای رفع این نقص خواستم مجلس تصویری‏ به مناسبت اشعار صفحهء مقابل تعبیه و نقش شود امکان نیافت با دوستان در میان‏ گذاشتم،مصلحت چنین دیدند که چند داستان ساخته در این صفحه جای داده چاپ کنم، از سید محمد بقاء خواستم او چهار داستان به نظم آورد عماد الکتاب نوشته چاپ شد و بدین ترتیب نقص کتاب را بر طرف کرده منتشر ساختم اشعار این صفحه 91 بیت و با این مصراح آغاز می‏گردد بسی رنج بردم شبان دراز و چهار داستان پاسخ رودابه‏ به زال پاسخ زال به رودابه است.

ادیب الممالک در مقدمهء این شاهنامه ضمن مدح امیر بهادر بانیان چاپ کتاب‏ من جمله آقا میرزا محمود را ستوده و چنین گفته است:

یکی زان مهان نام محمود است‏ که دل بست در کار و گردن فراشت